

## Islamic Knowledge and Insight

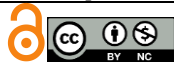
### Representation in the Qur'an Based on the Story of Prophet David (peace be upon him) and Goliath

1. Somayeh Arjomandinejad\*: PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Kas.C., Islamic Azad University, Kashan, Iran. (Email: arjmndi588@gmail.com)
2. Ahmad Bohazar: PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Kas.C., Islamic Azad University, Kashan, Iran
3. Ebrahim Fallah: Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Sar.C., Islamic Azad University, Sari, Iran

#### Abstract

The narratives of the Holy Qur'an, due to their richness and artistic depth, possess a high potential for visualizing dramatic structures. One of the primary examples is the account of the confrontation between Prophet David (peace be upon him) and Goliath, which—beyond its religious and historical significance—reveals a dynamic and multifaceted structure from a dramatic perspective. The central issue of this study is the presence of dramatic dimensions in the narrative of Prophet David (peace be upon him) and Goliath, as it encompasses the fundamental requirements of drama such as conflict, hero, antagonist, climax, and resolution, thereby providing an appropriate foundation for dramatic analysis through atmosphere-building, characterization, and plot construction. In this study, a descriptive-analytical method has been employed. The findings indicate that recognizing the dramatic potential of Qur'anic narratives can pave the way for the development of committed and impactful dramatic arts and creative works grounded in Qur'anic culture. As a result, while preserving its guidance-oriented mission, the Holy Qur'an employs narrative techniques in recounting this story that are consistent with the principles of drama.

**Keywords:** *Holy Qur'an, drama, Qur'anic narratives, David (peace be upon him) and Goliath*



**How to cite:** Arjomandinejad, S., Bohazar, A., & Fallah, E. (2026). Representation in the Qur'an Based on the Story of Prophet David (peace be upon him) and Goliath. *Islamic Knowledge and Insight*, 4(1), 1-10.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 24 September 2025

Revise Date: 22 January 2026

Accept Date: 29 January 2026

Publish Date: 21 April 2026

## معرفت و بصیرت اسلامی

### نمایش در قرآن بر اساس داستان حضرت داوود (ع) و جالوت

۱. سمیه ارجمندی نژاد\*: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. (پست الکترونیک: arjmndi588@gmail.com)
۲. احمد بوعمار: دانشجوی دکتری، علوم قرآن و حدیث، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران
۳. ابراهیم فلاح: دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

#### چکیده

داستان‌های قرآن کریم به دلیل غنا و هنر فراوان، پتانسیل بالایی برای تصویرسازی ساختارهای نمایشی دارند. یکی از نمونه‌های اصلی، روایت روبرویی حضرت داوود (ع) با جالوت است که گذشته از اهمیت مذهبی و تاریخی، ساختاری پویا و چندوجهی از منظر درام را نشان می‌دهد. مساله اصلی این پژوهش، وجود جنبه‌های نمایشی روایت حضرت داوود (ع) و جالوت است که نیازهای اساسی درام مانند کشمکش، قهرمان، ضدقهرمان، اوج و پایان را در خود جای داده و بستری مناسب برای تحلیل نمایشی از طریق فضاسازی، شخصیت‌پردازی و طرح داستان فراهم می‌کند. در این پژوهش، از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده است یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شناخت پتانسیل نمایشی داستان‌های قرآنی، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه هنر و آفرینش‌های نمایشی متعدد و تأثیرگذار مبتنی بر فرهنگ قرآنی باشد. به عنوان نتیجه قرآن کریم ضمن حفظ رسالت هدایت‌جویانه خود، شیوه‌هایی را برای روایت این داستان به کار می‌گیرد که مبتنی بر اصول درام است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، نمایش، داستان‌های قرآنی، داوود (ع) و جالوت

شیوه استناددهی: ارجمندی نژاد، سمیه، بوعمار، احمد، و فلاح، ابراهیم. (۱۴۰۵). از تجربه تا وحی: بازخوانی تطبیقی تربیت معنوی کودکان در رویکرد جان دیویی و علامه طباطبائی. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۴(۱)، ۱-۱۰.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲ مهر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۹ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۵

## مقدمه

قرآن مجید برنامه‌ای وحیانی برای زندگی سعادتمندانه بشر است و متضمن نیازهای دنیوی و اخروی بشر است. این کتاب زندگی ساز از موضوعاتی که در راستای سعادت بشر نقش دارد، سخن به میان آورده و از آن جمله نقل داستان‌های متعدد که در آن مسائل مورد نیاز بشر چه بصورت مستقیم و بطور مستقیم مطرح گردیده است. یکی از این داستان‌های مهم که از قضا از عناصر زیباشناسی و مولفه‌های نمایشی سود می‌برد قصه حضرت داوود و جالوت است.

این روایت قرآنی، همانقدر که تصویری از شجاعت و ایمان یک جوان در مقابل دشمن قدرتمند را نشان می‌دهد، به ایده عصمت پیامبران و تأثیر آن در صدور احکام و هدایت جامعه نیز اشاره دارد. پیروزی داوود (ع) نه به دلیل قدرت فیزیکی، بلکه گواه حمایت و عصمت خداوند است که به او اجازه لغزش و انحراف نمی‌دهد (Javadi Amoli, 1998; Jazayeri, 1998). بنابراین، ضمن تحلیل روایت داوود (ع) و جالوت، در کنار تاریخ و آموزه‌ها، می‌توان آن را از دیدگاه دراماتیک نیز بررسی کرد. زیرا این روایت در چارچوب طرح خود، کشمکش، قهرمان، ضدقهرمان و نتیجه‌گیری قطعی را در بر می‌گیرد؛ مواردی که زمینه‌های ممکن برای بازسازی هنری و دراماتیک آموزه‌های قرآنی هستند (Samuel, 1991). از آنجا که نمایش به مثابه هنری مبتنی بر روایت و بازنمایی تعارض، نیازمند متونی سرشار از درام و کشمکش است، بررسی داستان داوود (ع) و جالوت در قرآن فرصتی برای تحلیل ظرفیت‌های نمایشی متون مقدس فراهم می‌کند (Tabataba'i, 1991). در این مسیر، پرسش‌های مهمی مطرح می‌شود: عناصر روایی و نمایشی این داستان کدام‌اند و چگونه قابل شناسایی هستند؟ تقابل ایمانی و اخلاقی شخصیت‌ها چه نقشی در شکل‌گیری ساختار دراماتیک روایت دارد؟ این روایت قرآنی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با ساختار کلاسیک نمایش دارد و چگونه می‌توان پیام‌های تربیتی و اخلاقی آن را به زبانی نمایشی به مخاطب امروز منتقل کرد؟

داستان‌های قرآنی با بیانی ساده اما سرشار از معنا و لایه‌های متعدد روایت شده‌اند. در این داستان‌ها عناصری همچون کشمکش، شخصیت قهرمان و ضدقهرمان، نقطه اوج و فرجام روایت به روشنی قابل مشاهده است. همین ساختار منسجم سبب شده است که این داستان‌ها ظرفیت چشمگیری برای بازآفرینی هنری، به‌ویژه در قالب نمایش و درام، داشته باشند (Farrokhi, 2017). از جمله اهداف روایت در قرآن، تأثیرگذاری عاطفی و روانی بر مخاطب است. بدین ترتیب، داستان‌ها صرفاً آموزه‌های عقلانی ارائه نمی‌دهند، بلکه بر عواطف و باورهای درونی انسان تأثیر می‌گذارند. در واقع، داستان‌ها، وسیله‌ای برای انتقال پیام وحی به وسیله چیزی ملموس و ماندگار هستند. یکی از کاربردهای برجسته رویکرد حاضر، روایت جنگ حضرت داوود (ع) و جالوت است. این متن قرآنی، ضمن نشان دادن شجاعت و دینداری جوانان و لشکر عظیم، با تأکید بر آن، با بهره‌گیری از بن‌مایه‌های نمایشی مانند صحنه‌پردازی، مبارزه قهرمان در مقابل ضدقهرمان و پایان حماسی، بستر مناسبی برای نقد دراماتیک و زیبایی‌شناختی فراهم می‌کند (Pouyazadeh, 2024; Pouyazadeh & Tejar, 2021).

از این رو، می‌توان استدلال کرد که روایت قرآن کریم نه تنها ابزاری برای انتقال پیام‌های الهی است، بلکه دارای چارچوبی نمایشی است که با روح نمایش و تئاتر سازگار است. این ویژگی، قرآن را به منبع الهامی برای ساخت آثار هنری و نمایشی تبدیل کرده است (Parvini, 2000).

روایت قرآنی نه تاریخ است و نه گزارش اخبار وقایع، بلکه وسیله‌ای مؤثر برای انتقال پیام‌های آسمانی است. روایت‌های قرآنی شنونده را در سطح درونی حرکت می‌دهند تا درس‌های اخلاقی، مذهبی و تربیتی را در سطحی ملموس و مؤثر تشخیص دهند. قرآن از طریق داستان‌های خود، تجربه انسانی را بازآفرینی می‌کند و آن را در بستری نمایشی شامل قهرمان، ضدقهرمان، مبارزه و پایان‌بندی ثبت می‌کند. بنابراین، داستان‌های قرآن صرفاً آموزشی نیستند، زیرا حاوی ارزش‌های زیبایی‌شناختی و نمایشی نیز هستند. بنابراین می‌توانند به

کرد. یافته‌های او، تقابل حق و باطل را به عنوان الگویی برای القای شجاعت و اعتماد در زندگی فردی و اجتماعی برجسته کرد. با این حال، مطالعه او ساختار روایی و ... را نیز نادیده گرفت (Mesmarian, 2015)

پویازاده و تجار (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «نبرد حضرت داوود (ع) با جالوت از دیدگاه قرآن و مسیحیان عصر وحی» نشان دادند که در مقایسه با منابع مسیحی، قرآن این نبرد را با تمرکز بر ایمان و پیروزی الهی روایت می‌کند. نتایج آنها غنای روایت قرآنی را در محتوا و آموزه آشکار کرد، اما کار آنها فاقد تحلیل دراماتیک روایت بود (Pouyazadeh & Tejar, 2021).

به طور مشابه، پویازاده (۱۴۰۳) در مطالعه خود با عنوان «چگونگی انعکاس داستان‌های قرآنی حضرت داوود (ع) و سلیمان (ع) در متون منظوم فارسی» کشف کردند که شاعران فارسی این داستان‌ها را با تأکید بر درس‌های اخلاقی و حکمت‌محور اقتباس کرده‌اند. یافته‌های آنها نشان داد که در ترجمه‌های شاعرانه، محتوا بر ساختار دراماتیک اولویت دارد (Pouyazadeh, 2024).

در مطالعه‌ای، خلیل پروینی نشان داد که داستان‌های قرآنی - از جمله قصص پیامبران - از ساختار روایی منسجمی با طرح، شخصیت‌پردازی، کشمکش، اوج و فرجام پیروی می‌کنند و همین عناصر می‌تواند مبنای بازسازی‌های دراماتیک در تئاتر یا نمایش‌های دینی قرار گیرد؛ شخصیت‌ها فراتر از نقش تاریخی، نماد مفاهیم اخلاقی/معنوی‌اند: داوود(ع) نماد ایمان و شجاعت، و جالوت نمود تکبر و اتکای مادی؛ ایجاز روایت و زبان تمثیلی نیز ظرفیت برانگیختن عاطفه و جذب مخاطب را افزایش می‌دهد؛ عنصر «پیروزی الهی شگفت‌آور» هم به‌مثابه ابزار دراماتیک، تضاد حق و باطل را برجسته می‌سازد (Parvini, 2000).

حسین فرخی نیز با تبیین مؤلفه‌هایی چون شخصیت‌پردازی، توسعه طرح، کشمکش، اوج و بحران، به‌ویژه در داستان داوود(ع) و جالوت، بر محوریت کشمکش این دو به‌عنوان رکن دراماتیک اصلی تأکید کرده است (Farrokhi, 2017).

عنوان نمونه اولیه برای خلق آثار متعهد و معنوی به صورت نمایشی عمل کنند (Javadi, 1995).

نمایش، به عنوان یکی از برجسته‌ترین هنرهای روایی، بر عناصری مانند شخصیت‌پردازی، کشمکش، اوج و پایان متکی است. به همین ترتیب، قرآن کریم، در کنار رسالت هدایتی و تربیتی خود، داستان‌هایی را روایت می‌کند که نه تنها پیام‌های عمیق ایمانی و اخلاقی را منتقل می‌کنند، بلکه از نظر ساختار روایی، پتانسیل دراماتیک قابل توجهی را نیز به نمایش می‌گذارند. از جمله این داستان‌ها، داستان حضرت داوود (ع) و جالوت است که در آن تضاد بین ایمان و کفر، ضعف و قدرت ظاهری، و شجاعت و ترس به وضوح نشان داده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۵۱-۲۴۶). با وجود این پتانسیل‌ها، مطالعات میان‌رشته‌ای که قرآن و هنر را به هم پیوند می‌دهند، تا حد زیادی ساختار دراماتیک داستان‌های قرآنی را نادیده گرفته‌اند. به طور خاص، روایت حضرت داوود (ع) و جالوت - که می‌تواند به عنوان الگویی الهام‌بخش برای نمایش مذهبی باشد - نیازمند تحلیل عمیق‌تر از درجه عناصر دراماتیک است (Makarem Shirazi, 1995).

### پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع، نمایش در قرآن بر اساس داستان حضرت داوود(ع) و جالوت، تاکنون کار مستقلی انجام نگرفته است اما در پاره‌ای از پژوهش‌ها و مقالات به این موضوع اشاره‌هایی شده است برای نمونه:

حسینی کوهساری (۱۳۹۳) دریافت که قرآن در داستان طالوت و جالوت، فلسفه جهاد و مقابله با دشمنان را ریشه در ایمان، صبر و اطاعت از رهبری ارائه می‌دهد. تحقیق او بر ظرفیت قوی این داستان در به تصویر کشیدن تضاد بین ایمان و کفر تأکید کرد، اگرچه به ابعاد ساختاری و نمایشی آن توجه کمی شده است (Hosseini, 2014).

مسماریان (۱۳۹۴) در رساله‌ای با عنوان «نکات آموزنده داستان طالوت و جالوت در قرآن»، درس‌های تربیتی این داستان را بررسی

نتیجه بهره می‌گیرد؛ عناصری که بستر مفاهیم نمایش و تئاتر را فراهم می‌سازند (Farrokhi, 2017; Parvini, 2000).

### داستان حضرت داوود (ع) و جالوت

بنی اسرائیل پس از رحلت حضرت موسی (ع) دچار تهدید دشمنان شدند و کشورشان در خطر بود. آنان نزد پیامبر زمان خود رفتند و فرمانده‌ای برای جهاد طلب کردند. پیامبرشان هشدار داد که شاید هنگام تکلیف به جنگ، از همراهی سر باز زنند؛ اما آنان سوگند یاد کردند که برای بازپس‌گیری سرزمینشان آماده‌اند (

بقره/۲۴۶) (Tabataba'i, 1991; Tabarsi, 1993). خداوند

«طالوت/شائول» را به رهبری برگزید؛ گرچه برخی به سبب فقر و جایگاه اجتماعی او اعتراض کردند، پیامبرشان فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ...» (بقره/۲۴۷) (Makarem

Shirazi, 1995; Tabataba'i, 1991). قرآن مجید اشاره

می‌کند که «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ» (بقره/۲۴۸) نشانه پادشاهی او بازگشت «تابوت عهد» بود

که فرشتگان آن را باز آوردند و ایمان مؤمنان استوار شد (Tabarsi,

1993). طالوت سپاهی گرد آورد و آنان را به آزمون رودخانه

آزمود: «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً

بِيده» (بقره/۲۴۹) «هر کس از آب آن بنوشد از من نیست و هر که جز

به مقدار مستی بر ندارد از من است»؛ بیشترشان نوشیدند و نافرمانی

کردند و جز گروه اندکی نماندند (Qaraati, 2004; )

Tabataba'i, 1991). سپاه اندک مؤمنان در برابر لشکری بزرگ

به فرماندهی جالوت ایستاد و گفتند: «كَمْ مِّن فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَهُ كَثِيرَةً

يَا ذُنَّ اللَّهِ...» (بقره/۲۴۹). در میان آنان، داوود جوان با توکل به خدا

بر جالوت چیره شد؛ «فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ

الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ...» (بقره/۲۵۱) (Makarem Shirazi, 1995; )

خلاصه شکاف‌های تحقیقاتی، مروری بر مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بیشتر تحقیقات در مورد داستان حضرت داوود (ع) و جالوت بر جنبه‌های کلامی، اخلاقی، تربیتی و تاریخی متمرکز شده‌اند و توجه محدودی به ساختار دراماتیک داشته‌اند. علاوه بر این، آثار موجود فاقد چارچوب روشنی برای تحلیل عناصر کلیدی دراماتیک - شخصیت‌پردازی، کشمکش، اوج و پایان - در داستان‌های قرآنی هستند.

### عناصر نمایشی در روایات قرآنی

اساس هر نمایشی بر تضاد استوار است. در داستان‌های قرآنی، تضادها عموماً بین ایمان و کفر، هدایت و گمراهی، و حق و باطل شکل می‌گیرند (Khalafallah, 2010). قرآن با استفاده از عبارت‌های موجز اما بصیرت‌آمیز، شخصیت‌های درگیر در داستان را برجسته می‌کند؛ قهرمانانی که علیرغم داشتن دشمنان متکبر و ستمگر، صادق و مؤمن می‌مانند (Khorramshahi, 2014). هر داستان قرآنی به اوج خود می‌رسد، جایی که گره اصلی داستان حل می‌شود و به یک نتیجه‌گیری قطعی می‌رسد؛ قرآن با حداقل کلمات، فضایی معنادار و تأثیرگذار ایجاد می‌کند که خواننده را در صحنه درگیر می‌کند. داستان قرآن نه روایت تاریخ است و نه شرح وقایع، بلکه ابزاری برای انتقال آموزه‌های قرآنی و اخلاقی است:

«لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (یوسف/۱۱۱)

به راستی در داستان آنها برای صاحبان بصیرت عبرتی است.

این آیه توضیح می‌دهد که داستان‌های قرآن با هدف عبرت و راهنمایی روایت می‌شوند. داستان‌های قرآنی علاوه بر انتقال پیام فکری، مخاطب را در سطح عاطفی نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند و همین امر صورت‌بندی نمایشی و اثرگذار آن‌ها را تقویت می‌کند (خلف‌الله، ۱۳۸۹، ص ۳۴؛ خرمشاهی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۱) از دیدگاه هنری، قرآن در روایت‌های خود از قهرمان، ضدقهرمان، مبارزه و

۱ - أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلِئِكِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلَكًا يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَيَكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَانَا.

نموده‌هایی از پادشاهی الهی، نبوت و رستگاری به او نسبت داده می‌شود (Al-Suyuti, 2001; Ibn Kathir, 2003; Tha'labi, 0000). در عهد عتیق، وعده پایایی سلسله داوود گزارش شده است: «پادشاهی و تخت تو تا به ابد پایدار خواهد ماند» (کتاب مقدس، ۱۳۵۷، ص ۸۱). در مزامیر نیز داوود افزون بر پادشاه، «برگزیده خدا» معرفی می‌شود و این تصویر در الهیات یهودی پساتبعد به انتظار «داوود نو» و بازگشت سلطنت الهی می‌انجامد (همان، ص ۹۸). این امید مسیانی در برخی متون یهودی متأخر نیز بازتاب یافته است (Khorramshahi, 2014). در نوشته‌های مسیحی نخستین، پیوند تبارشناختی عیسی با داوود برجسته می‌شود و «پسر داوود» بودن مسیح مکرر مورد تأکید قرار می‌گیرد (ارجاع به دیدگاه مسیحیان در منابع اسلامی و پژوهش‌های تطبیقی: Pouyazadeh, 2024; Pouyazadeh & Tejar, 2021). موعظه‌ها و تبیین‌های مسیحی، داوود را نمونه‌ای آسمانی و نشانه‌ای از پادشاهی خدا می‌فهمند (Pouyazadeh & Tejar, 2021). در سنت‌پردازی‌های مسیحی متأخر، رنج‌ها و پیروزی‌های داوود به‌نحوی نمادین با سیر نجات‌شناسانه مرتبط می‌شود (Khorramshahi, 2014). از رویدادهای شاخص زندگی داوود، انتقال «تابوت عهد» به اورشلیم است که هم دلالت قدسی حضور الهی در میان بنی‌اسرائیل داشت و هم مشروعیت دینی/سیاسی حکومت داوود را تقویت کرد (کتاب مقدس، ۱۳۵۷، ص ۷۶).

### نمایش ادبی قرآن در نبرد حضرت داوود و جالوت

در خوانش مسیحی، روایت داوود و جالوت تمثیلی از ستیز انسان با نیروهای شر و غلبه ایمان بر قدرت مادی است؛ جالوت نماد قدرت خصمانه و داوود نمود توکل و شجاعت ایمانی است و پیروزی نهایی، چیرگی ایمان را بر ابزار ظاهر قدرت نشان می‌دهد (کتاب مقدس، ۱۳۵۷، ص ۹۸) (Pouyazadeh, 2024).

(Tabataba'i, 1991). پیروزی داوود (ع) هم نجات بنی‌اسرائیل بود و هم مقدمه نبوت و مُلک او؛ سپس زبور بر وی نازل شد (Ibn Kathir, 2003; Tha'labi, 0000).

### بررسی داستان حضرت داوود (ع) و جالوت در پر تو قرآن

پس از موسی (ع)، بنی‌اسرائیل دچار ضعف و تفرقه شدند؛ قرآن نشان می‌دهد که راه نجات با ایمان و وحدت آغاز می‌شود و درخواست رهبری شایسته نخستین گام بازگشت به هویت دینی آنان بود. (بقره/۲۴۶) (Qaraati, 2004). اعتراض به نصب طالوت به سبب معیارهای مادی بود، اما معیار الهی «علم، ایمان و توان» معرفی شد (بقره/۲۴۷) (Tabarsi, 1993; Tabataba'i, 1991).

قرآن اشاره دارد که، اکثریت در آزمون شکست خوردند و اندکی مؤمنان ماندند «فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ» (بقره/۲۴۹) (Makarem Shirazi, 1995). این روند نشان می‌دهد که پیروزی الهی محصول خلوص صفوف و ایمان راسخ است، نه صرف کثرت عددی (Hosseini Kouhsari, 2014; Javadi, 1995).

نبرد داوود و جالوت دو قطب متقابل را مجسم می‌کند: حق (گروهی اندک، مؤمن و صبور) در برابر باطل (لشکری عظیم متکی بر تکبر و قدرت مادی) (Al-Suyuti, 2001). داوود (ع) از گمنامی به رهبری رسید و قرآن معیار رهبری را «تقوا و شایستگی الهی» می‌داند نه ثروت و نسب (Tabataba'i, 1991). از منظر روایت‌شناختی، این حکایت ساختاری دراماتیک دارد: کشمکش، آزمون‌ها، اوج و فرجام، و بدین‌گونه بهره‌گیری ژرف قرآن از داستان‌سرایی را هم به مثابه «هدایت» و هم «هنر» جلوه‌گر می‌کند (Khalafallah, 2010; Parvini, 2000).

### جایگاه حضرت داوود در یهودیت و مسیحیت

شخصیت حضرت داوود نه تنها در قرآن کریم، بلکه در متون مقدس یهودیت و مسیحیت نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و در هر سه سنت،

۱ - وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ

(Pouyazadeh & Tejar, 2021). از سوی دیگر، داستان داوود و جالوت یادآور آن است که در مواجهه با قدرت‌های ظاهری، قدرت ایمان برتر است؛ تأکیدی که در سنت مسیحی نیز بارها تکرار شده است (Ibn Kathir, 2003; Qaraati, 2004; Tha'labi, 0000).

روایت قرآن از طالوت و جالوت سرشار از درس‌های تربیتی است؛ ویژگی‌های طالوت و جالوت، آزمون‌های الهی و پیام‌های اخلاقی/تربیتی، ساختاری دراماتیک می‌آفرینند و تعلیق روایی را پیش می‌برند؛ متن قرآنی این نبرد در سوره بقره، آیات ۲۴۶ تا ۲۵۱ آمده است. در تفاسیر آیات مربوط، داوود(ع) نماد ایمان و توکل است که با وجود جوانی و سلاح‌های ساده، با اتکای الهی بر جالوت غلبه می‌کند؛ این پیام در قرائت‌های ادبی به صورت الگوی اعتماد به خدا در مواجهه با چالش‌ها بازتاب یافته است (Makarem Shirazi, 1995; Tabataba'i, 1991). قصه داوود(ع) و جالوت الهام‌بخش شاعران و نویسندگان فارسی در محور ایمان، توکل و پیروزی بر دشمن بوده و نشان‌دهنده ماندگاری فرهنگی/ادبی این مضمون است، اگرچه تأثیر اسرائیلیات در برخی گزارش‌های تفسیری این داستان و رد آن در آثار ادبی فارسی دیده می‌شود (Khalafallah, 2010; Khorramshahi, 2014; Makarem Shirazi, 1995). روایت قرآنی این نبرد از ساختاری طرح‌مند با آغاز (درخواست فرمانده)، میانه (انتخاب طالوت و آزمون‌ها) و پایان (رویارویی و پیروزی) برخوردار است؛ شخصیت‌ها با ویژگی‌های متضاد تعریف می‌شوند: داوود مؤمن و شجاع، جالوت متکبر و نیرومند، و طالوت رهبر میانه‌رو؛ این تقابل‌ها موتور کشمکش نمایشی را می‌سازد، لحظه مواجهه داوود(ع) و جالوت نقطه اوج درام است، و پیروزی با ابزار ساده، فرجامی آموزنده می‌آفریند؛ سنجش این عناصر با اصول درام کلاسیک ممکن است (Makarem Shirazi, 1995; Tabarsi, 1993; Tabataba'i, 1991).

(Pouyazadeh & Tejar, 2021). بازخوانی‌های مسیحی از این داستان، آن را از سطح گزارش تاریخی فراتر برده و به الگویی اخلاقی/معنوی برای مبارزه درونی انسان تبدیل کرده است (Khorramshahi, 2014). در این تفسیرها، داوود نمونه انسانی است که با اتکا به ایمان، بر موانع بزرگ پیروزی می‌شود و این قرائت در الهیات مسیحی برای تبیین نسبت ایمان و نجات به کار می‌آید (Pouyazadeh, 2024; Pouyazadeh & Tejar, 2021). به علاوه، سنت تفسیری اسلامی نیز با تکیه بر منابع قصص و تفاسیر، این نبرد را صحنه‌ای از ترجیح ایمان ناب بر کثرت و قدرت ظاهری دانسته است (Makarem Shirazi, 1995; Tabarsi, 1993; Tabataba'i, 1991). این صورت‌بندی، خوانش دراماتیک روایت را امکان‌پذیر می‌کند: تقابل قهرمان/ضدقهرمان، کشمکش، اوج و فرجام، که مبنای تحلیل‌های روایی/نمایشی در پژوهش‌های معاصر نیز بوده است (Farrokhi, 2017; Parvini, 2000). در جمع‌بندی این بخش، روایت داوود و جالوت—در هر دو سنت یهودی-مسیحی و در تفسیر اسلامی—به منزله الگوی نمایشی پیوند «ایمان، ابتلاء و پیروزی» فهم می‌شود و ظرفیت‌های هنری/دراماتیک آن، الهام‌بخش بازآفرینی‌های دینی است (Hosseini, 2014; Kouhsari, 2014; Mesmarian, 2015; Pouyazadeh & Tejar, 2021). علاوه بر اعلام این رویداد تاریخی، از مضمون نبرد داوود به صورت نمادین برای نشان دادن مفاهیم معنوی نیز استفاده شده است؛ در قرائت‌های مسیحی و پژوهش‌های تطبیقی، شکست دادن جالوت توسط داوود، تصویری از مرد ایمانی ارائه می‌کند که با مدد الهی توان غلبه بر دشمن قدرتمند را دارد (کتاب مقدس، ۱۳۵۷، ص ۸۹) (Pouyazadeh & Tejar, 2021). افزون بر این، بر پایه همین قرائت‌ها، جنگ داوود با الگوی مسیح هم‌سنخ دانسته می‌شود؛ همان‌گونه که داوود در برابر شر و تاریکی می‌ایستد، مسیح نیز با فضیلت ایمان و حقیقت بر نیروهای شر پیروز می‌شود؛ از این رو گروهی از مفسران مسیحی این روایت را نمونه‌ای نمادین برای پیام نجات‌بخش دانسته‌اند (Pouyazadeh, 2024).

پیش درآمدی بر رسالت مسیح دانسته‌اند که تاریکی و شر را با اقتدار حقیقت سرکوب کرد. پیام اصلی این داستان نبرد جالوت و داوود در سنت مسیحی در جایی نهفته است و آن این است که نمایانگر برجسته کردن پیروزی ایمان واقعی بر هر قدرت دنیوی و مادی است. مقایسه داستان نبرد جالوت و داوود نشان می‌دهد که در کتاب مقدس و به ویژه در تفاسیر مسیحی، این داستان نقشی فراتر از روایت تاریخی دارد و به صورت نمادین منعکس‌کننده مبارزه ابدی بین ایمان و قدرت‌های شیطانی تلقی می‌شود. در این زمینه، جالوت به عنوان نمادی از قدرت‌های مادی و مرئی و داوود نیز به عنوان تجسمی از انسان صالح که به قدرت الهی وابسته است، معرفی شده است. بازخوانی و تأکید مجدد بر این روایت عهد جدید نشان می‌دهد که مفسران و شارحان مسیحی از آن به عنوان الگویی اخلاقی و الهیاتی برای مواجهه با چالش‌ها و خطرات زندگی بهره برده‌اند. علاوه بر این، پیروزی داوود در بسیاری از تفاسیر به عنوان الگوی رسالت مسیح ارزیابی شده است؛ رسالتی که با تکیه بر حقیقت و ایمان الهی بر تاریکی و شر غلبه کرد.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که پیام اساسی این روایت، تأکید بر برتری و اثربخشی ایمان حقیقی در برابر هرگونه قدرت ظاهری و دنیوی است؛ پیامی که نه تنها در چارچوب الهیات مسیحی، بلکه در سطح کلی‌تر نیز دارای ارزش اخلاقی و انسان‌شناختی است.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## EXTENDED ABSTRACT

This study examines the narrative of Prophet David and Goliath in the Quran from a dramatic and representational perspective, arguing that the Quranic account possesses an intrinsic dramatic structure that goes beyond historical reporting and functions as a sophisticated mode of meaning making. The central premise of the article is that Quranic narratives, while primarily guidance

داوود(ع) مظهر ایمان، توکل و شجاعت است و جالوت نماد غرور، قدرت‌طلبی و اتکای مادی؛ این تقابل:

• تنش دراماتیک میان دو قطب می‌آفریند،

• زمینه هم ذات‌پنداری با داوود(ع) و انتظار پیروزی نهایی را فراهم می‌کند،

و معنای اخلاقی/تربیتی پایان را تعمیق می‌بخشد؛ بدین‌سان تقابل اخلاقی، اسکلت درام را در روایت قرآنی شکل می‌دهد ((Farrokhi, 2017; Parvini, 2000)).

### نتیجه‌گیری

این پژوهش ظرفیت‌های نمایشی قرآن با تمرکز بر داستان حضرت داوود (ع) و جالوت را مورد واکاوی قرار داد و به این نتیجه اساسی رسید که در داستان هایقرآن مجید و بخصوص داستان یادشده، ویژگی‌های دراماتیکی در وجود دارد و می‌توان از آنها در خلق آثار نمایشی استفاده کرد و ارتباط بین متن مقدس و هنرهای نمایشی را افزایش داد و الگویی عملی برای تولید آثار نمایشی با محتوای دینی و تربیتی در شرایط امروز ارائه کرد..

در ضمن مشخص شد که در سنت یهودی و مسیحی، داستان نبرد جالوت و داوود نه تنها یک روایت تاریخی است، بلکه بیان نمادین مبارزه انسان با قدرت‌های شر و چالش‌های زندگی از دوران باستان است. در این داستان، جالوت نمایانگر قدرت‌های دنیوی و بیرونی و داوود نمایانگر ایمان و اتکا به خداست. با بازخوانی این داستان نبرد جالوت و داوود در عهد جدید و تفاسیر مسیحی، به عنوان نمونه‌ای از چالش‌های همیشگی و پیروزی ایمان بر قدرت‌های دنیوی به نظر می‌رسد. علاوه بر این، بسیاری از مفسران پیروزی داوود را به عنوان

oriented, are constructed through narrative techniques that closely align with the foundational principles of drama, including conflict, characterization, tension, climax, and resolution. The story of David and Goliath is selected as a paradigmatic case because it condenses a profound moral and theological message within a compact but highly dynamic narrative framework. Prior scholarship has demonstrated that Quranic stories

are intentionally concise, symbolic, and selective, yet capable of producing deep emotional and cognitive engagement in the audience. Within this framework, the confrontation between David and Goliath exemplifies a dramatic opposition between faith and material power, humility and arrogance, and divine support and human self reliance, which together generate a powerful narrative tension (Javadi Amoli, 1998; Jazayeri, 1998; Samuel, 1991; Tabataba'i, 1991). From a representational standpoint, the article situates this narrative within broader discussions on drama and sacred texts, emphasizing that the Quran does not merely recount events but stages them in a way that invites visualization, empathy, and moral reflection. This interpretive move is supported by earlier theoretical arguments that view Quranic storytelling as a form of purposeful artistic communication rather than neutral historiography (Farrokhi, 2017; Parvini, 2000).

The theoretical background of the study draws on interdisciplinary discussions that connect Quranic studies, literary theory, and dramatic arts. Scholars have argued that narrative is one of the most effective means of transmitting ethical and spiritual values, precisely because it engages both reason and emotion. Quranic narratives, in particular, rely on conflict as a core organizing principle, typically framed as the struggle between truth and falsehood or guidance and misguidance. This structural reliance on opposition makes them especially amenable to dramatic analysis (Khalafallah, 2010; Khorramshahi, 2014). The article highlights that earlier studies on the story of David and Goliath have largely focused on theological, ethical, or comparative religious dimensions, often neglecting the formal narrative mechanisms that generate its persuasive power. Research by Hosseini Kouhsari, Mesmarian, and Pouyazadeh has demonstrated the educational, moral, and interreligious significance of the story, yet these works have rarely examined how characterization, narrative pacing, and symbolic confrontation function together to create a dramatic whole (Hosseini Kouhsari, 2014; Mesmarian, 2015; Pouyazadeh, 2024;

Pouyazadeh & Tejar, 2021). By contrast, scholars such as Parvini and Farrokhi have emphasized that Quranic stories follow a coherent narrative arc with a clear beginning, middle, and end, thereby providing a structural foundation for dramatic representation (Farrokhi, 2017; Parvini, 2000). Building on this line of thought, the present study positions the David and Goliath narrative as a model case for understanding how sacred texts can simultaneously fulfill didactic and aesthetic functions.

Methodologically, the study adopts a descriptive analytical approach, combining close textual analysis of relevant Quranic verses with insights from classical and contemporary Quranic exegesis. The narrative is examined in terms of its dramatic elements, including the introduction of conflict, the gradual intensification of tension through trials and tests, the climactic confrontation between opposing forces, and the decisive resolution that reaffirms divine justice. Classical exegetes such as Tabarsi, Tabatabai, and Makarem Shirazi provide the theological and narrative context necessary for understanding how the story unfolds within the Quranic worldview (Makarem Shirazi, 1995; Tabarsi, 1993; Tabataba'i, 1991). At the same time, the study engages with interpretive traditions that emphasize the symbolic and moral dimensions of the narrative, including discussions on divine selection, leadership, and trial. The episode of Talut leadership, the test of the river, and the reduction of the army to a faithful minority are analyzed as narrative devices that heighten dramatic suspense and underscore the thematic contrast between outward strength and inward faith (Javadi, 1995; Qaraati, 2004). Through this methodological synthesis, the study demonstrates how the Quran employs narrative economy while still constructing a layered and emotionally resonant dramatic sequence.

The findings of the study indicate that the story of David and Goliath in the Quran exhibits all the essential components of dramatic structure. The central conflict is established through the confrontation between a small, faithful group and a

powerful, arrogant enemy, personified by Goliath. Characterization plays a crucial role, as David is depicted not merely as a historical figure but as a symbolic embodiment of faith, courage, and divine trust, while Goliath represents excessive reliance on material power and pride (Farrokhi, 2017; Parvini, 2000). The narrative tension is intensified through successive trials, particularly the test of obedience at the river, which functions as a dramatic filter that separates genuine commitment from superficial allegiance. The climax occurs in the direct encounter between David and Goliath, a moment that condenses the moral logic of the entire story into a single decisive act, followed by a resolution that confirms divine support for the righteous (Makarem Shirazi, 1995; Tabataba'i, 1991). The study also finds that this dramatic configuration is consistent with broader Quranic narrative strategies, which privilege moral clarity, symbolic contrast, and purposeful brevity over exhaustive detail.

In addition to its Quranic context, the article situates the story of David and Goliath within Jewish and Christian traditions, showing that while the core narrative is shared, the Quranic representation emphasizes divine wisdom and moral testing more explicitly. In Jewish and Christian scriptures, David is often portrayed as the founder of a lasting royal lineage and a messianic figure, whereas the Quran foregrounds his spiritual qualifications and divine selection (Al-Suyuti, 2001; Ibn Kathir, 2003; Tha'labi, 0000). Comparative studies have shown that Christian interpretations frequently read the story symbolically as an allegory of faith overcoming evil, a reading that resonates with but does not fully encompass the Quranic emphasis on obedience, trial, and divine justice (Pouyazadeh, 2024; Pouyazadeh & Tejar, 2021). By examining these interreligious perspectives, the study underscores the unique narrative balance achieved by the Quran, in which dramatic tension serves not only symbolic or theological ends but also reinforces a coherent moral vision grounded in divine guidance.

In conclusion, the study demonstrates that the Quranic narrative of Prophet David and Goliath possesses a robust dramatic structure that makes it highly suitable for representational and artistic engagement without compromising its sacred and guidance oriented character. The analysis shows that the Quran employs narrative techniques that parallel those of classical drama, using conflict, characterization, and resolution to convey enduring moral and spiritual truths. Recognizing these dramatic capacities opens new possibilities for interdisciplinary research and for the development of committed artistic works inspired by Quranic narratives. Ultimately, the story of David and Goliath illustrates how faith, when articulated through a carefully structured narrative, can transcend historical context and speak powerfully to audiences across time and culture.

## References

- Al-Suyuti, J. a.-D. (2001). *Al-Itqan fi 'Ulum al-Qur'an* (3 ed.). Amir Kabir Publications.
- Farrokhi, H. (2017). *The Dramatic Structure of Quranic Stories*. Soureh Mehr Publications.
- Hosseini Kouhsari, M. (2014). The Philosophy of Jihad and Confrontation with Enemies in the Story of Talut and Jalut from the Quranic Perspective. *Bayyat Journal*, 3(20).
- Ibn Kathir, I. (2003). *Stories of the Prophets* (1 ed.). Dar wa Maktabat al-Hilal.
- Javadi, A. (1995). *An Introduction to Islamic Theology*. Institute for Culture and Islamic Thought.
- Javadi Amoli, A. (1998). *Thematic Commentary on the Holy Qur'an*. Esra Publications.
- Jazayeri, A. (1998). *Extraneous Elements in the Holy Qur'an* [Master's Thesis, University of Tehran]. Tehran.
- Khalafallah, M. A. (2010). *The Art of Storytelling in the Qur'an*. Nashr-e Ney.
- Khorramshahi, B. a.-D. (2014). *Encyclopedia of the Qur'an and Quranic Studies* (4 ed.). Doostan Publications.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemooneh* (1 ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Mesmarian, A. (2015). Educational Lessons from the Story of Talut and Jalut in the Qur'an. *Haft Aseman Journal*, 2(47).
- Parvini, K. (2000). *An Analysis of the Literary and Artistic Elements of Quranic Stories*. Farhang Gostar.

- Pouyazadeh, M. (2024). The Reflection of the Qur'anic Stories of Prophet David (PBUH) and Solomon (PBUH) in Persian Poetic Texts. *Keyhan-e Andisheh*, 4(23).
- Pouyazadeh, M., & Tejar, Z. (2021). The Battle of Prophet David (PBUH) with Goliath from the Perspective of the Qur'an and Christians of the Revelation Era. *Scientific Quarterly of Qur'an and Hadith Studies*, 5(7).
- Qaraati, M. (2004). *Lessons from the Qur'an: Commentary on the Story of Talut and Jalut* (3 ed.). Osveh Publications.
- Samuel, J. a.-D. (1991). *A Critique of Those Who Criticized the Torah, the Gospel, and the Talmud*. Dar al-Kitab al-'Arabi.
- Tabarsi. (1993). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Farahani Publications.
- Tabataba'i, M. H. (1991). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Islamic Publications Office.
- Tha'labi, A. i. M. (0000). *Stories of the Prophets: Known as 'Ara'is al-Majalis*. Al-Maktabah al-Thaqafiyah.